

جایگاه و ضرورت فلسفه تاریخ

علم تاریخ از جهات مختلف همواره مورد توجه افراد و جوامع بوده است. از یونان باستان تا زمان حال افراد و گروه‌های بسیاری بر جنبه‌های اخلاقی و عملی تجارب تاریخی توجه نموده‌اند.^۱ مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اوّل تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زبانبارش شناسایی کردم، پس از هر چیزی مهم و ارزشمند آنان را، و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم.»^۲

حضرت علی علیه السلام در این نامه چنین عنوان می‌نمایند که با بهره‌گیری از توشه‌ی پر بار معرفتی به دست آمده از سیر در تاریخ، به امر تربیت امام حسن علیه السلام اقدام نموده‌اند. آموزش تاریخ از حیث اجتماعی نیز به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در ایجاد، حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی و شور و هیجان ملی می‌باشد که جهت ایستادگی در برابر بیگانگان در طول تاریخ ایفای نقش نموده است.^۳

در جوامع دینی و به طور مثال در جامعه‌ی اسلامی ایران، وجه دیگری از اهمیت علم تاریخ در ارتباط آن با علم ادیان و به طور خاص علم کلام قابل بررسی است. در این ارتباط سؤالاتی از قبیل: «ماهیت حقایق تاریخی و حقایق دینی و رابطه‌ی آنها با هم

۱. رک: ترجمه آقای سلطانی که در آن تأثیر رویکردهای مختلف بر آموزش تاریخ مورد بحث قرار گرفته است و همچنین زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۳. فصل اول «فایده تاریخ - لذت یا شناخت».

۲. نهج‌البلاغه، نامه شماره ۳۱. وصیت امام علی (ع) به امام حسن (ع) هنگام بازگشت از جنگ صفین، ترجمه محمد دشتی.

۳. رک: بخش اول ترجمه‌ی آقای اسماعیلی که به توصیف رویکرد پوزیتویستی دربار تاریخ، تاریخنگاری و آموزش تاریخ اختصاص یافته و مشکلات نظری نگاه ابزاری به تاریخ و آموزش تاریخ عنوان گردیده است و همچنین ترجمه‌ی آقای سلطانی.

چگونه است؟»، «وقایع تاریخی چه تأثیری بر مضامین و محتوای پیام‌های الهی و فهم و تفسیر آن خواهند داشت؟»، «روش‌شناسی و ابزارهای کشف و داوری در این دو علم چه نسبتی با هم دارند؟» و به طور مثال «آیا گزاره‌های یکی از این دو علم، توسط گزاره‌های علم دیگر قابل اثبات یا ابطال است؟» و «در صورت تعارض میان احکام یک علم با احکام علم دیگر چه راهی را باید در پیش گرفت؟» و... از سؤالات مهمی است که ارائه‌ی پاسخ شایسته و مکفی را طلب می‌نمایند.^۱

سؤالات دیگری نیز در ارتباط با علم تاریخ که ابعاد فلسفی و روش‌شناختی دارند، مطرح هستند. به طور مثال این‌که «آیا شناخت تاریخی، می‌تواند شناختی فارغ از ارزش‌ها و بینش‌های مورخ باشد؟»، «بهره‌گیری از گونه‌های مختلف تبیین (به طور مثال تبیین‌های علمی، عقلانی و روایی) چه تأثیری در روش تحقیق در تاریخ و تاریخ‌نگاری خواهد گذاشت؟»، «علم تاریخ چه ارتباط مفهومی، روشی و غایتی با علوم هم‌چون جامعه‌شناسی دارد؟» و...

طبیعی است که متون تاریخی به تنهایی نمی‌توانند از عهده‌ی پاسخ به بسیاری از سؤالات و نیازهای فردی، اجتماعی و معرفتی یاد شده برآیند، به طور مثال عبرت‌آموزی از تاریخ، علاوه بر نگاه درونی به گزاره‌های تاریخی و شناخت و تحلیل آنها، مستلزم کشف قوانین حاکم بر جوامع و شناخت تحولات آنها در طول تاریخ است. در پرتو کشف سنت‌های تاریخی است، که می‌توان موقعیت خود را در جامعه سنجید و نسبت به آینده پیش‌بینی‌هایی - هر چند تقریبی - انجام داد و به انتخاب شایسته‌ی مسیر اقدام کرد و همین امر توجه به تاریخ تحلیلی و نگاه بیرونی و درجه‌ی دوم به تاریخ را در کنار تاریخ روایی و نگاه درونی و درجه‌ی اول به تاریخ ضروری می‌نماید.^۲

از حیث معرفتی نیز سؤالاتی نظیر سؤالات مطرح شده در بالا که پاسخ علمی به آنها از یک سو مستلزم انجام کاوش‌های عمیق و دقیق در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین و فلسفه‌ی علوم اجتماعی و از طرف دیگر مستلزم بازنگری تحلیلی در متون تاریخی و همچنین

۱. در زمینه‌ی ارتباط علم کلام و علم تاریخ انجمن تاریخ پژوهان، سلسله نشست‌هایی را نادرک دیده است. سؤالات یاد شده در این بخش سؤالاتی است که در اولین نشست، توسط جناب حجه الاسلام والمسلمین محمد تقی سبحانی طرح و پاسخ داده شد.

۲. آقای دکتر علیپور در مقاله خود «تاریخ، تعاریف و معانی»، درباره‌ی ویژگی‌های تاریخ نقلی یا روایی و تاریخ تحلیلی و دیگر دانش‌های مربوط به تاریخ، به تفصیل بحث کرده‌اند.

گسترش و تعمیق مباحث روش شناختی و فلسفی در باب تاریخ است، تا فراهم نشدن مقدمات لازم، به صورت سؤالاتی بی پاسخ، یا سؤالاتی با پاسخ‌های اجمالی باقی خواهند ماند.

با در نظر گرفتن اهمیت‌های چند جانبه‌ی تاریخ در زندگی فردی و اجتماعی، وجود سؤالات و ابهامات موجود در تاریخ، ارتباط تاریخ با دیگر علوم و ... ضرورت توجه به مباحث روش شناختی و دقت نظرهای فلسفی درباره‌ی تاریخ و تاریخ نگاری آشکار می‌گردد.

حال پس از درک این ضرورت، اگر به آثار منتشر شده به زبان فارسی، در این موضوع مراجعه نماییم، درخواهیم یافت که تناسب شایسته‌ای میان کمیت و کیفیت آثار منتشر شده و نیازهای علمی و عملی موجود در جامعه وجود ندارد.^۱

در میان آثار تألیفی در دو حوزه‌ی فلسفه‌ی علم تاریخ و فلسفه‌ی نظری تاریخ^۲ در ایران، بخش عمده‌ای به طرح دیدگاه‌ها، در زمینه‌ی مباحث فلسفه‌ی نظری تاریخ اختصاص دارد؛ که معلول فضای فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک دهه‌های پنجاه و شصت ایران بوده و در تقابل با عقاید فلسفی، تاریخی و اجتماعی مارکسیسم منتشر گردیده است. در حال حاضر نیز هر چند که برخی از مسایل این حوزه هنوز از اهمیت علمی و فلسفی برخوردار است، لیکن کمتر نشانی از رغبت اندیشمندان به این حوزه از مباحث فلسفی تاریخ به چشم می‌خورد.

در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم تاریخ نیز هر چند که آثار زیادی تاکنون به زبان فارسی ترجمه و تعداد کمتری هم تألیف شده است، اما این حوزه از مباحث فلسفی تاریخ هنوز آن چنان که شایسته است، مورد توجه و استقبال گسترده‌ی جامعه‌ی علمی و به خصوص تاریخ پژوهان کشورمان قرار نگرفته است. در این زمینه دلایل چندی قابل بررسی است. به طور مثال:

۱. اگر با عنایت به کمیت کتب و مقالات منتشر شده در زمینه‌ی فلسفه‌ی تاریخ به زبان انگلیسی، به گلابی می‌بایکل استفورد (۱۹۹۸) در زمینه‌ی کمبود منابع در زمینه‌ی فلسفه‌ی تاریخ و غفلت از فلسفه‌ی تاریخ در دوران معاصر و ریشه یابی این امر توسط او مراجعه نماییم، به فاصله‌ی علمی بسیار زیاد خود با جامعه‌ی علمی بین المللی در این زمینه‌ی خاص پی خواهیم برد. رک: «مدخلی بر فلسفه تاریخ» در مجموعه مقالات «فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری»، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری تهران: طرح نو ۱۳۷۹.

۲. وجوه تمایز فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ به تفصیل در مقاله آقای میرمحمدی با عنوان «واگرایی و تمایز فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ» مطرح گردیده است.

۱. انگیزه‌های طرح مباحث فلسفه‌ی علم تاریخ آن‌چنان‌که باید و شاید (به طور مثال آن‌چنان‌که در دهه‌ی شصت در حوزه فلسفه‌ی نظری تاریخ وجود داشت) هنوز در جامعه‌ی علمی کشور به وجود نیامده است.
 ۲. خیل عظیمی از دانشجویان و حتی محققان، اصولاً علاقه‌ای به مباحث پیچیده‌ی فلسفی نشان نمی‌دهند.
 ۳. کیفیت ترجمه‌ی برخی از آثار به گونه‌ای است که برای اکثر دانشجویان و محققان علاقمند، اما ناآشنای به این مباحث، قابل استفاده نیست.
 ۴. مثال‌های تاریخی موجود در آثار ترجمه شده‌ی فلسفه‌ی علم تاریخ، برای جمع‌گیری از دانشجویان و محققان ناآشنا بوده و این امر فهم مطالب را دشوار ساخته و درک اثرات شگفت‌انگیز تغییر نگرش فلسفی و روش شناختی در دستاوردهای پژوهشی تاریخ را با مشکل روبرو ساخته است.
 ۵. محدودیت‌های نظری و عملی چندی در راه گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در کشور ما وجود دارد و طرح و گسترش مباحث فلسفه‌ی علم تاریخ نیز با چنین محدودیت‌هایی روبرو گردیده است و...
- بر این اساس شایسته است که جامعه‌ی تاریخ پژوهان کشور و دیگر پژوهشگران و اساتید گرانقدری که علاوه بر آشنایی با تاریخ، با علوم انسانی دیگر از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، فلسفه و به خصوص فلسفه‌ی علم آشنایی دارند، از طرفی با بهره‌گیری از مثال‌های تاریخی مربوط به اسلام و ایران نسبت به طرح ساده‌ی مباحث فلسفه‌ی علم تاریخ، برای دانشجویان و مبتدیان این عرصه، در قالب تألیف کتب و تدریس درس فلسفه‌ی علم تاریخ اقدام نمایند و از طرف دیگر ضمن در نظر داشتن حیطه‌های خاص مفهومی، روشی و غایتی هر یک از علوم، روش تحلیلی را در تاریخ‌نگاری خود به کار گرفته و باب مطالعات میان‌رشته‌ای بین تاریخ و دیگر علوم انسانی را باز نماید و مشکلات نظری و روش شناختی پیش روی را مرتفع سازند^۱. بی‌شک فتح باب این مطالعات میان‌رشته‌ای هم موجبات بهره‌مندی تاریخ را از علوم

۱. گونه‌ای از مشکلات نظری و تلاش انجام شده برای تفکیک دو حوزه‌ی جامعه‌شناسی و تاریخ در مقاله آقای کافی با عنوان «در باب جامعه‌شناسی تاریخی» مطرح گردیده است.

۲. خوشنود هستیم که فصلنامه علمی تخصصی تاریخ پژوهان، وابسته به انجمن تاریخ پژوهان، در آغازین شماره‌های خود و در قالب فراخوانی، پرداختن به مباحث فلسفی و روش‌شناسی علم تاریخ را یکی از اهداف و رسالت‌های خود معرفی کرده است.

دیگر فراهم می‌کند و به غنای هر چه بیشتر آن می‌انجامد و هم مواد خامی را برای تحقیقات دیگر علوم انسانی فراهم می‌آورد.^۱

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با توجه به درک حساسیت و اهمیت مباحث روش تحقیق و روش‌شناسی تاریخ‌نگاری، در ۱۳۸۱ اقدام به برگزاری همایش «روش‌های پژوهش در تاریخ» کرد که مورد استقبال شدید اساتید و پژوهشگران تاریخ قرار گرفت و مجموعه مقالات آن همایش^۲ این قابلیت را یافت که مرجع مهمی جهت بررسی و ارزیابی فلسفی و روش‌شناختی روش‌های مورد استفاده مورّخین و اندیشمندان اسلامی قرار گیرد.

فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه نیز در تداوم این اقدام مفید، بر آن شد تا به منظور انجام تلاشی برای پر کردن خلاء مباحث نظری و فلسفی در عرصه علم تاریخ و گسترش این بحث در بین اساتید، پژوهشگران و دانشجویان تاریخ، یک شماره از فصلنامه را به این بحث اختصاص دهد. پس از اعلام فراخوان مقاله‌ی این ویژه‌نامه در پاییز ۱۳۸۲، تماس‌های متعددی که با دفتر فصلنامه برقرار می‌گشت، نشانه‌هایی از علاقمندی اساتید و دانشجویان رشته‌ی تاریخ را به این موضوع به همراه داشت و از طرف دیگر کمیّت مقالاتی که در این مدت به فصلنامه ارسال شد، نشانه‌ای بود از موردغفلت قرار گرفتن این حوزه‌ی معرفتی در جامعه‌ی علمی کشور.

در پایان این گفتار از تمامی اساتید و پژوهش‌گرانی که با ارسال و ارزیابی مقالات و همچنین با ارایه‌ی راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود ما را در تهیه، این ویژه‌نامه یاری کردند، به ویژه از جناب آقای دکتر حسین مفتخری که بخش عمده‌ی این مجموعه مرهون همکاری صمیمانه‌ی ایشان با دفتر فصلنامه حوزه و دانشگاه می‌باشد، کمال تشکر و سپاسگذاری را داشته و امیدواریم که این مجموعه به عنوان یکی از گام‌های برداشته شده در مسیر توجه به مباحث نظری و فلسفی در باب تاریخ و تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ، مورد توجه جامعه‌ی علمی کشور و به ویژه اساتید، پژوهشگران و دانشجویان تاریخ قرار گیرد.

سردبیر

۱. در مقاله‌ی آقای کافی و همچنین در مقاله‌ی آقای سید باقری با عنوان «نگرشی به مؤلفه‌های فلسفی تاریخ ابن خلدون» این نکته بیان شده است که دقت‌های نظری ابن خلدون موجب گردید که وی هم در علم تاریخ و روش تاریخ نگاری تحولی ایجاد کند و هم جامعه‌شناسی (علم عمران) را که لازمه‌ی تاریخ نگاری پیشنهادیش بود، به وجود آورد.

۲. مجموعه مقالات این همایش در قالب شماره ۱۳ و ۱۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۲) فصلنامه‌ی پژوهش حوزه منتشر گردیده است.